

## بررسی تابو و تابوشکنی در ادبیات

امین هادوی ۱، مرضیه ایزدی ۲، حوریه بهادر بیله سوار ۳ و الهام بابایی ۴

۱دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم Aminhadavi@yahoo.com

۲دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی گرایش ویرایش و نگارش دانشگاه پیام نور M.izadi.techer@gmail.com

۳کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور Saeedeslami94@gmail.com

۴کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور Elhambabaei7373@gmail.com

### چکیده

تابو یا پرهیزه (به فرانسوی: tabou) آن دسته از رفتارها، گفتارها یا امور اجتماعی است که برطبق رسم و آیین یا مذهب، ناپسند، ممنوع و نکوهش پذیر است. تابو ممنوعیت چیزی است معمولاً در برابر یک گفته یا رفتار مبتنی بر حساسیت فرهنگی که آن را بیش از حد نفرت انگیز، مقدس یا فقط توسط افراد خاصی مجاز می‌داند. چنین ممنوعیت‌هایی تقریباً در همه جوامع وجود دارد. تابوها به صراحت توسط عرف و یا مذهب ممنوع هستند. تابوها اغلب به منظور محافظت از فرد تعریف می‌شوند اما دلایل دیگری برای رشد آن‌ها وجود دارد. پیشینه زیست محیطی یا پزشکی اثبات نشده در بسیاری از آن‌ها آشکار است. از جمله برخی که منشأ مذهبی یا معنوی دارند. معمولاً ادبیات هر کشور، مجموعه‌ای از تابوها و تابوشکنی‌هاست. از یک سو به سبب ویژگی حامل بودن ادبیات برای سنت‌های هر ملت، انبوهی از تابوها در بستر ادبیات برای آیندگان منتقل می‌شوند و از سوی دیگر ادبیات به سبب پیشرو بودنش و جابه‌جا کردن مرزها، برخی تابوها را می‌شکند. در این مقاله تلاش می‌شود که با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی تابو و تابوشکنی در ادبیات پرداخته شود. یافته‌های این پژوهش گویای نقش دوگانه ادبیات در برابر تابوهاست و درحالی که از یک سو به انتقال و حفظ تابوها می‌انجامد، از سوی دیگر به جابه‌جایی و شکستن تابوها منجر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تابو، پرهیزه، تابوشکنی، ادبیات.

## مقدمه

باورداشت مردم هر سرزمین نسبت به دنیای پیرامون و فضای فکری و فرهنگی زیست بوم خود طی قرون متمادی شکل گرفته و در دنیای امروز تا حدودی رنگ باخته است. فرهنگ عامه اقوام ایرانی دنیایی شکفت را در بطن خود نهفته دارد. آن گونه که ادوارد سعید به درستی دریافته جهان شرق به ابژه ای مناسب برای مطالعه در دانشگاه، نمایش در موزه، برای بحث نظری در رساله های انسان شناختی ... و برای ارائه مواردی در تأیید نظریه های جامعه شناختی تبدیل شده است» (میلنر، ۱۳۸۷: ۴۵). با جدی شدن و اهتمام پژوهشگران به نظریه مطالعات فرهنگی و نگرش علمی به توده ها، محققان حوزه های علوم اجتماعی و مردم شناسی به این نکته اساسی دست یافتند که «ملت ها فقط صورت بندی های سیاسی نیستند بلکه نظام های بازنمایی فرهنگی اند که با آنها هویت ملی به طور مستمر از طریق کنش گفتمانی بازتولید می شود» (بارکر، ۱۳۸۷: ۶۳). همین امر سبب می شود تا به این ذخایر دست ناسوده به چشم ماده خام پژوهشهای مردم شناسی و مطالعات حوزه فولکلور بنگریم و از این رهگذر گوشه ای از زیبایی های این فرهنگ کهن و بالنده را بازیابی و بازنمایی کنیم نگاه علمی به فرهنگ مردم در مناطقی که در فرایند تحول اجتماعی از جوامع بسته و سنتی به جوامع مردن (به ویژه در سده اخیر) کمتر دستخوش تنوع بنیانهای اجتماعی شده اند، پژوهنده را با صورت های کهن فرهنگی و آداب و رسوم دیرهای ایرانی آشنا می سازد. در حوزه پژوهش های فرهنگی، شناخت مسئله تابو در اجتماعات کوچک بسیار شورانگیز و راهکشی تحقیقات بعدی است (والتر اودانیک، ۱۳۷۹: ۱۷).

زبان تابو با فرهنگ رایج در محیط نسبت آشکار دارد تا جایی که رفتارها یا واژه ها و تعبیر ممنوعه، جز در بافت و زمینه فرهنگی غالب و نظام فکری و اندیشگانی جامعه، قابل درک و ملموس نخواهد بود. بر همین مبناست که پژوهشگر فرهنگی با شناخت تابوهای هر منطقه دریچه ای به دیدگاههای پنهانی باورهای نهفته، مقدسات و منهیات و در سطحی گسترده باورهای آن مردم خواهد گشود. حقیقت این است که تدوین آداب و سنن بخش سنتی تر جامعه و خرده فرهنگها در وهله نخست ابزار کار مردم شناس است که با مطالعات مربوط به زندگی توده ها سروکار دارد اما باید در نظر داشت که گردآوری سنتهای شفاهی به هر منظوری که باشد مهم و سودمند است (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). انتظار می رود مستندسازی سنتهای شفاهی سبب تعالی سطح بینش و آگاهی مردم از جامعه کنونی و گذشته خود شود، بنابراین اسناد سنتهای شفاهی نباید صرفاً به منظور تحقیقات علمی فراهم شود بلکه مجموعه سنتهای شفاهی باید برای استفاده عموم انتشار یابد و نتیجه مطالعات و بررسیهایی را هم که درباره آنها صورت می گیرد، می توان برای استفاده تحقیقات علمی منتشر کرد. با این مقدمه می توان پژوهشگران در حوزه های مردم شناسی جامعه شناسی، انسان شناسی و شرق شناسی و زمینه های در پیوسته با فرهنگ و تا حدودی ادب شفاهی را در ردیف مخاطبان اصلی پژوهش پیش رو قرار داد (طایفی، ۱۳۹۱: ۴۹).

## ۱-۱- بیان مسئله

جهانی که در آن زندگی می کنیم، همواره با محدودیتها و ممنوعیتهایی روبه رو بوده که برخی از آن ناخواسته و محصول طبیعت و برخی از آن خواسته و ساخته اجتماع بشری بوده است. محدودیتهایی که بشر برای خود بر ساخته است. عموماً از سه دسته بیرون نیست یا ناشی از اعمال قانون است. یا در اثر ممنوعیت دینی و مذهبی است و یا در مسائل پنهان و موهوم ریشه دارد (حکم آبادی و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۹۲). تابوها بخشی از دسته اخیر، یعنی ممنوعیت عرفی و پنهان هستند. مفهوم تابو از مفاهیم ریشه دار در تاریخ بشری است و زندگی انسانهای نخستین پیوندی ناگسستنی با آن داشته است. بی مناسبت نخواهد بود اگر اشاره شود که این مفهوم بیشتر در پیوند با مفهوم دیگری به نام «توتم» مطرح می شود. سنتهای گفتاری و سنتهای رفتاری و مادی آفریننده فرهنگ شفاهی اقوام گوناگون است. در این صحنه شاهد حضور و ظهور تابوهای شکفت فراوانی هستیم که برخی از آنها در پهنه گسترده اجتماع امروزی کارکرد خود را از دست داده اند (بارکر، ۲۰۰۹: ۶۷). اما در مناطق محدود مانند جوامع کوچک همچنان حضوری پویا و فعال دارند. تابو به منزله یکی از گزاره های بنیادین در میان بیشتر مناطق دنیا به رسمیت شناخته شده است و به ویژه در شناخت اعتقادات مذهبی کاربردی اساسی دارد ریشه یابی این مفهوم در میان اقوام ایرانی و تحلیل ابعاد آن میتواند پنجره ای به جهان شکفت حوزه فرهنگ عامه ایرانی به شمار آید صاحب نظران به برخی

فواید و دستاوردهای بررسی مفاهیم و مضامین تابو اشاره داشته اند که از آن جمله می توان به زبانی اشاره کرد که یک تابو چیزی را منع میکند که هم از نظر اجتماعی خطرناک و هم از نظر شخصی منفور است (سعیدی مدنی، ۱۳۸۵: ۱۸۵). در این پژوهش تلاش می شود که جنبه هایی از حضور تابو در ادبات بررسی شود و نقش تابوشکنانه ادبیات مورد بررسی قرار گیرد.

### ۲-۱- پیشینه تحقیق

درباره تابو در اندیشه بشر و مخصوصاً در هنر و ادبیات، پژوهش های بسیاری صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن ها و چکیده شان اشاره می شود:

- طایفی، شیرزاد. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل تابو در بوف کور». *دو فصلنامه ادب فارسی*. دوره ۲، شماره ۱. صص ۴۲-۵۳. در چکیده این مقاله می خوانیم: صادق هدایت به عنوان نویسنده های پیشرو در گستره ادبیات داستانی معاصر، در خلق آثار خود همواره از بنمایه های روانکاوانه بهره برده است. در میان آثار او، بوف کور بیش از سایر آثارش از مباحث روانکاوی تاثیر پذیرفته است؛ به گونه های که میتوان آن را رمانوارهای روانکاوانه نامید. البته آنچه در تحلیل این داستان بیش از هر عاملی مهم است، عملکردهای «راوی» داستان و تباین شخصیت او با چهره خود هدایت است. راوی به عنوان محور اصلی رویداد داستان، فردی است که باید ساختار روان وی دقیقاً شناخته شود تا بتوان درباره نحوه روایت او به درستی قضاوت کرد. از آنجا که روان راوی دچار تناقضات و ناسازگاریهایی فراوانی است، به نظر میرسد ممیزههایی که ساختار شخصیت او را به وجود می آورد، بر ساخته از تابوهای روانی چندگانه های است که خط مشی فکری وی را پدید می آورد. در این پژوهش علاوه بر روانکاوی شخصیت راوی، تابوهای روح وی و دلایل شکلگیری آن را به صورت تحلیلی بررسی کرده ایم، تا دریابیم اساساً چه عواملی موجب شکل گیری شخصیت «راوی» با این ویژگیها شده است؛ از این رو به نظر می رسد اصلیت ترین تابوی داستان که از لحاظ ابعاد اجتماعی و روانی حائز اهمیت است، «زن» میباشد که ساختارهای روانی خاص راوی در مراحل مختلف رشد فکری وی، سه کاراکتر زن داستان را در قالب سه تابوی مجزا بازتاب می دهد.

- یعقوبی، پارسا. (۱۳۸۶). «آشنایی با تابو شکنی ادبی و سیر آن در ادبیات کلاسیک فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. سال پنجاه و هشتم. شماره ۳. صص ۹۹ - ۱۱۶. قراردادهای آسمانی و بشری را درهم می شکنند و به عبارتی تابوشکنی می کند. در این مقاله سعی شده است ابتدا تابو و کارکرد آن معرفی شود سپس با محدود کردن معنای تابو در ممنوعیت مقدسات و منهیات دینی به رابطه تابو و ادبیات پرداخته شده است. در نهایت تابو شکنی در انواع ادبی کلاسیک فارسی مورد تحلیل قرار گرفته است. «فریزر» تفاوت تابو و دستور اخلاقی را در آن می داند که معتقدین به تابو بر این باورند که اگر حریم تابو شکسته شود حتما ضرری جبران ناپذیر نصیب آنها می شود در حالی که این باور صرفاً یک تصور است زیرا واقعا پس از هر تابو شکنی، شرّ رخ نمی دهد- اگر هم شرّی رخ دهد مربوط به آن تابو نیست- اگر بین حوادث رابطه علمی و معلولی وجود داشته باشد دیگر نام تابو بر آن دستور منفی یا «نباید» قابل اطلاق نیست بلکه یک دستور اخلاقی یا عقلانی است. تابو در مقیاس دینی-مذهبی: همانطور که گفته شد تابو در زندگی بدوی شامل تمام ممنوعیتهای زندگی اجتماعی و فردی است زیرا چشم انداز آنها به زندگی فقط از منظر دو قطب قدسی و غیر قدسی است در حالی که در زندگی غیر بدوی قطبها متکثر می شوند و حتی قطبهای خنثی نیز وجود دارد که در آن باید و نباید از نظر مجازات باهم فاصله بسیاری ندارد. تابوشکنی ادبی نیز با توجه به ظاهر تخریب کننده ای که دارد بیشتر رنگ و بوی ادبیات انتقادی را به خود می گیرد با این تفاوت که دایره شمول ادبیات انتقادی بسیار وسیع تر از تابوشکنی ادبی است، به عبارتی، همه ادبیات انتقادی تعرض به حریم منهیات دینی-مذهبی نیست چه بسا مطالب دیگری را هم مورد انتقاد قرار می دهد. با توجه به این مقدمات، منظور از تابوشکنی ادبی آنست که شاعر یا نویسنده، فراتر از اجازتی که دارد وارد ساخت ممنوع اعم از مقدّس یا نامقدّس شود و این گاهی به صورت اعتراضی است که مبتنی بر شک و تردید و حتی انکار است؛ مانند تابوشکنی های غیر عرفانی. در ادبیات فارسی نیز برخی از انواع ادبی همچون غنایی، عرفانی و انتقادی، زمینه مساعد برای انواع تابوشکنی است که در آن حریم بسیاری از مقدّسات و منهیات شکسته شده است.

- آزاد، سارا؛ مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۹). «بررسی انواع تابوشکنی و دلایل آن در شعر فروغ فرخزاد و احمد شاملو». *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*. سال سوم. شماره ۲۶. ۵۱-۶۸. واژه تابو در اصطلاح هم به معنای پاک و هم به معنای ناپاک و نجس است. به همین دلیل در دو حوزه ی مقدس و نامقدس کاربرد دارد؛ و در کل معنای آن، نوعی ممنوعیت و خطرناکی را می رساند که شکستن حریم آن انواع مواخذه ی بشری یا آسمانی را در پی دارد. از آنجا که ادبیات هر ملت یکی از عرصه های به چالش کشیدن تابوهای آن ملت است و با خصلت عادت ستیزی و هنجارگریزی که دارد، یکی از بهترین محل های تابوشکنی در میان سایر معارف بشری است. در ادبیات ما یکی از بسترهای بازشناسی و واکاوی تابوها، شعر دوره ی معاصر است. پرداختن به مسائل اجتماعی - سیاسی و شناخت آثار ادبی مربوط به هر دوره نشان دهنده ی واقعیات و ذهنیات فردی و تجربیات شخصی هستند و جامعه ی سانسورنشده ی آن دوره را نشان می دهند. در این راستا تلاش شده، ضمن استفاده از اصطلاح تابوشکنی برای تعدی به حریم ممنوع، تابوهای شکسته شده در آثار فروغ فرخزاد و احمد شاملو، مورد بحث و واکاوی قرار گیرد. هدف اصلی این پژوهش روشنگری بیشتر با مقوله ی تابو و تاثیر اوضاع اجتماعی - سیاسی در شکستن تابوها است که می تواند برای کاوش های جامعه شناختی و روان شناختی موثر و مفید واقع شود. روش انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی به روش کتابخانه ای انجام گرفته، که به نتایجی همچون تاثیرپذیری شاعر از فضای حاکم بر جامعه و همچنین جنبه های روانی و اجتماعی موثر بر ذهن و فکر شاعر که منجر به شکستن تابوها می شود رسیده ایم.

- حکم آبادی، محمود؛ کاظمیمان، صفورا. (۱۳۹۱). «تابوها و نقش آن در رشد و هدایت ذوق های ادبی با نگاهی به اشعار فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، فردوسی و ناصر خسرو». *مجله عرفانیات در ادب فارسی*. شماره ۱۰. صص ۸۹ - ۱۱۰. در این مقاله می خوانیم: او تابوی دیگری (تابوی خلفای فاطمی) دارد که در عین حال که می توان آن را تابوی بزرگان و دربار نامید، از آن جا که درون مایه سروده هایش دینی و فلسفی است و ویژگی هایی اندیشه ورزتر از تابوی دربار - آن گونه که در سروده های فرخی و منوچهری می بینیم - به آن نسبت می دهد و نیز به دلیل تفاوت چشم داشتی که او از آن ها دارد، نمی توانیم تابوی او را تابوی دربار و یا تاریخ و اسطوره بنامیم: رستم سزا بودی چو او بر پیل جستی چاکرش نوشت کفر و شرک را جز تیغ ایمان گسترش (ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۲۹۶) سام و فریدون کجا شدند نگویی بهمن و بهرام گور و حیدر و دلدل نوذر و کاووس اگر نماند به اصطخر رستم زاول نماند نیز به زاول (همان: ۳۲۸) در سور جهان شدم ولیکن بس لاغر باز گشتم از سور زین سور بسی ز من بتر رفت اسکندر و اردشیر و شاپور (همان: ۲۷۸) تابوشکنی ناصر خسرو و مبارزه او با تابوی اسطوره، به تمامی در خدمت تعلیم اخلاق و یادآوری فنای دنیا است که به خلق تابویی دیگر می انجامد: شدی حیران و بی سامان و، کردی نرم گردن را اگر دیدی به صف دشمنان سام نریمانش (ناصر خسرو، ۱۳۸۳: ۱۴۲) پسندست با زهد عمار و بوذر کند مدح محمود مر عنصری را؟ (همان: ۵۴) به ملک ترک چرا غره اید؟ یاد کنید جلال و عزت محمود زاولستان را کجاست آن که فریغونیان ز هیبت او ز دست خویش بدادند گوزگانان را؟ چو هند را به سم اسپ ترک ویران کرد به پای پیلان، بسپرد خاک ختلان را کسی چنو به جهان، دیگری نداد نشان همی به سندان اندر نشاند پیکان را شما فریفتگان پیش او همی گفتید هزار سال فروز باد عمر سلطان را پریر قبله احرار زاولستان بود چنان که کعبه ست امروز اهل ایمان را کجاست اکنون آن فر و آن جلالت و جاه که زیر خویش همی دید برج سرطان را؟ بریخت چنگش و، فرسوده گشت دندانش چو تیز کرد برو مرگ چنگ و دندان را (همان: ۶۲) بندیش که شد ملک سلیمان و سلیمان چونان که سکندر شد با ملک سکندر امروز چه فرق است از این ملک بدان ملک؟ این مرده و آن مرده و املاک مبر (همان: ۱۲۱) از لخت هایی که آمد، پیداست که ستایش گویی ها معانی و مفاهیم زیبایی، عشق، گردی و رادی را در طول اعصار تغییر داده است و ذوق ادبی مخالف کوشیده است معانی درست را زنده کند و به سروده بازگرداند.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

ادبیات، مهمترین مجموعه و گنجینه آداب و رسوم، اندیشه ها، سنت ها و باورهای بشری است که در قالبی هنری ثبت و ضبط می شود و از گذشته به آینده می رسد. به همین سبب ادبیات بستر فراخی است برای انتقال و حفظ تابوها که سنت های

ممنوعه مقدس بشری هستند. پس ادبیات در ذات خود با تابوها در ارتباط است. از سوی دیگر ادبیات به سبب ذات پیش‌رونده خود، همواره بر آن است که یک گام جلوتر از آنچه بشر در آن به سر می‌برد، حرکت کند و به همین سبب تابوشکنی در ذات ادبیات است و می‌توان گفت که ادبیات مجموعه‌ای است دوگانه که از یک سو سرشار از تابوست و از سوی دیگر مجموعه‌ای از تابوشکنی‌هاست. به همین سبب برای شناختن تابوها و تابوشکنی‌های بشری، بررسی ادبیات یکی از مهمترین و ضروری‌ترین ابزارهاست.

#### ۴-۱- روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ روش، مبتنی بر ترکیبی از دو روش تحلیلی و توصیفی است. ابتدا به توصیف تابوها پرداخته می‌شود و سپس حضور تابوها در ادبیات مورد بررسی و کندوکاو قرار می‌گیرد. همچنین داده‌های به کار آمده در این مقاله مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.

#### ۲- بحث

##### ۲-۱- تعریف تابو

تابو یا پرهیزه، آن دسته از رفتارها، گفتارها یا امور اجتماعی است که برطبق رسم و آیین یا مذهب، ناپسند، ممنوع و نکوهش‌پذیر است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تابو»؛ معین، ۱۳۸۴: ذیل «تابو»). برای نمونه نام بردن از اندام تناسلی در محافل رسمی در بسیاری از اقوام جهان یک تابو است. واژه تابو از زبان تونگا که یکی از زبان‌های پلی‌نزی است، وام گرفته شده است. به عقیده اهالی جزایر پولینزی، برخی از اشخاص یا اشیاء (مانند کشیشان، جادوگران، اجساد مردگان، زنان زانو، زنان در دوره قاعدگی، رؤسای قبایل و...) دارای قوه‌ای مقدس و مافوق طبیعی هستند، به طوری که نزدیک شدن به آن‌ها ممکن است خطرهای بزرگی مانند جنون، بیماری یا مرگ به وجود آورد. چنین اشخاصی را تابو می‌نامیدند. کاربرد واژه «تابو» (Taboo یا Tabu) به پولینزیاز بازمی‌گردد (میلنر، ۱۳۸۷: ۸۳). بعد از سومین سفر کاپیتان جیمز کوک به جزیره تونگا (یکی از مجموعه جزایر پولینزی) در سال ۱۷۷۷ میلادی، این واژه برای اولین بار به زبان انگلیسی راه یافت. طبق گفته رادکلیف براون، این واژه در زبان تونگان به معنای ممنوع، محدود و قدغن بوده است و می‌توانسته برای هر نوع ممنوعیتی به کار رود (والتر اودانیک، ۱۳۷۹: ۱۷). انواع تابوی زبانی (دشوآه) را با در نظر گرفتن مؤلفه بافت، به صورت زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

الف. بافت‌ویژه: صرفاً در بافت‌های خاص به تابو تبدیل می‌شوند. مثل اسامی حیوانات، میوه‌ها یا غذاها ولی به طور کلی، معنای خنثی دارند.

ب. عمومی: به طور کلی و بدون در نظر گرفتن بافت، بیان ناشدنی و ممنوع هستند؛ مانند اصطلاحات مرتبط با اندام‌های جنسی و فعالیت آن‌ها، رابطه جنسی و واژه‌های مرتبط با آن‌ها، عمل دفع و واژه‌های مرتبط با آن‌ها و اسامی مکان‌های مربوط به این اعمال، واژه‌های مربوط به مرگ، بیماری و... (حکم‌آبادی و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۹۲).

##### ۲-۲- تابو در آرای اندیشمندان

##### ۲-۲-۱- تابو در روان‌شناسی

زیگموند فروید معتقد است که تابوها کهن‌ترین مجموعه قوانین بشری‌اند و اقدامات منع‌شده در تابوها و قوانین اقداماتی هستند که بسیاری از انسان‌ها تمایل طبیعی به انجام‌دادن آن‌ها دارند. او با بهره‌گیری از تجربیاتی که در زمینه روانکاوی دارد، به مشابهت‌هایی میان رسم‌های تابویی و عوارض بیماری روانی و سواس پی می‌برد و بر این پایه می‌گوید که تابوها در آغاز از ممنوع‌شدن تمنیات و اعمال غریزی - ممنوعیت‌هایی که نسل پیشین انسان‌های اولیه با خشونت تمام بر نسل بعدی تحمیل کرده است - پا گرفته‌اند. این فرضیه روشن می‌کند که چرا انسان درقبال آنچه تابو ممنوع ساخته است ایستاری (مقاومت) دوپهلو دارد؛ چه به طور غریزی انسان پس از تحمیل شدن تابو، ناخودآگاه سودایی خوش‌تر از زیر پا گذاشتن تابو ندارد. آن قدرت جادویی که انسان برای تابو قائل است و کشش و گیرایی تابو همه حاصل وسوسه‌انگیزی آن و نیز ظرفیتی است که تابو برای برانگیختن کشش‌های غریزی و ناخودآگاه انسان دارد. از همین رو، برای محترم ماندن تابو به مقاومت آگاهانه فوق‌العاده‌ای

نیاز هست که خود از قداست تابو، تأکید مکرر بر زیر پا گذاشتن آن و نیز کیفر شدیدی که برای نقض‌کنندگان آن در نظر گرفته شده‌است مایه می‌گیرد (والتر اودانیک، ۱۳۷۹: ۱۷).

### ۲-۲-۲- تابو در جامعه‌شناسی

پیش‌تر اشاره شد که درک مفهوم تابو در آینه مفهوم دیگری به نام توتم امکان پذیر است. محققان در تعریف توتم بر وجود گونه ای رابطه قرابت و همگونی میان گروهی از مردم (ابتدایی) با موجودات طبیعی (حیوان، گیاه یا جسم بی جان) پای فشرده‌اند. تابو رعایت گونه ای حرمت برای توتم قبیله است. منع تابویی ناشی از تهدیدی است که متوجه توتم قبیله است و از تابو معنای روشن و مشخصی ندارد. اصطلاحی است برگرفته از زبان پولینزی که از نظر معنایی دربردارنده دو مفهوم متضاد است؛ از یک سو به معنای مقدس است و از سوی دیگر معانی خطرناک وحشتناک ممنوع نجس و اسرار آمیز را می‌سازند (آزاد و مدرس، ۱۳۹۹: ۵۴). زبان تابو، یعنی اصطلاحاتی که مردم برای نامیدن اشیا بدون به کار بردن اسم حقیقی آنها استفاده میکنند زیرا مردم از به کار بردن نام موجودات یا اشیایی که به نظام عقیدتی آنها مربوط میشود خودداری می‌کنند تمامی جوامع بشری با توجه به فرهنگ مذهب آداب و رسوم ویژه خود با ممنوعیت‌ها و منع‌هایی روبه‌رو هستند که تابوی آن قوم به شمار می‌آید. اینکه تابو چیست و از کجا سرچشمه می‌گیرد بحثی در ازدامن و خارج از حوصله این نوشتار است. صاحب کتاب توتم و تابو به نقل از وونت، منشأ آن را ترس از شیاطین می‌داند (بارکر، ۲۰۰۹: ۶۷). برخی افزون بر اینکه از تابو به «فرمان اکید» تعبیر می‌کنند (همان: ۴۹)، معتقدند که هیبت هیچ ممنوعیتی با مهابت تابو برابری نمی‌کند (همان: ۵۰). از دیدگاه روان‌شناسی محدودیت‌های تابویی چیزی جدای از ممنوعیت دینی یا اخلاقی است. فروید معتقد است که تابوها به خود تکیه داشته‌اند و براساس فرمانهای ملکوتی نیستند و تاریخ پیدایش آن مجهول و از دید ما درک ناشدنی است؛ با این حال از دید افرادی که تحت سیطره آن زندگی میکنند کاملاً طبیعی است (همان: ۵۳). همچنین، وی از تابو به «وحشت مقدس» تعبیر می‌کند و بدین گونه نشان می‌دهد که این واژه دو معنی متقابل «مقدس» و انجس را در خود نهفته دارد و نیز ممنوعیت آن پشتوانه قدسی دارد، یعنی از فرط مقدس بودن آن است که خطرناک شده است و نمی‌توان به حریم آن وارد شد (میلنر، ۱۳۸۷: ۸۲).

تابوها را به دو دسته کلی مثبت و منفی تقسیم کرده‌اند. تابوهای مثبت آنهایی هستند که انسان عادی را از نیروهای الهی و افسانه ای جدا می‌سازد (مثل پیامبران و منفی آنهایی هستند که انسان را از بدیها دور می‌سازد. برتراند راسل از «اخلاق تابو» یاد می‌کند و آن را عبارت از «مجموعه ای رسوم و عادات خاصه منهیاتی که بدون هیچ گونه دلیلی به انسان تحمیل می‌گردد می‌داند. گاهی اوقات ممکن است بتوان دلیلی برای توجیه وجود تابو پیدا کرد، اما بیشتر هرگونه کوششی برای یافتن دلیل بی‌فایده خواهد بود (همان). می‌توان گفت که تابو از آن جهت که ساخته و پرداخته خیال و ذهن اقوام بدوی است، با محذورات دینی و اخلاقی - که برپایه تجربه انسانی یا تعالیم الهی استوار است - فرق اساسی دارد. نیز می‌دانیم که تابوها همیشه با توجه به نیاز جامعه به وجود آمده‌اند و هدف آنها کمک به جامعه است (حکم‌آبادی و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۹۵).

### ۲-۳- انواع تابوشکنی در ادبیات

تابوشکنی در ادبیات می‌تواند صور متنوع داشته باشد، از شکستن تابوهای صورت ادبی و پی‌افکندن شیوه‌های تازه برای شاعری و نویسندگی تا تابوشکنی‌های محتوایی که اغلب جنبه انتقادی دارند. علاوه بر هنجارگریزی ادبی که زمینه را برای نابوشکنی فراهم می‌آورد، در ادبیات هر ملتی با نوعی از انواع ادبی با عنوان ادبیات انتقادی مواجه می‌شویم که موضوعات بسیاری اعم موضوع فلسفی دینی اجتماعی و مانند آنها را به چالش می‌کشاند. این نوع ادبیات به هر زبانی جد یا طنز که باشد، جهت‌گیری معترضانه و مبتنی بر شک و انکار دارد و به زعم خود در پی اصلاح است؛ خواه واقعاً چنین باشد و خواه اینکه منفعت فرد یا گروه خاصی را در پی داشته باشد. تابوشکنی ادبی نیز با توجه به ظاهر تخریب‌کننده‌ای که دارد، بیشتر رنگ و بوی ادبیات انتقادی را به خود می‌گیرد. با این تفاوت که دایره شمول ادبیات انتقادی بسیار وسیع‌تر از تابوشکنی ادبی است، به عبارتی، همه ادبیات انتقادی تعرض به حریم منهیات دینی - مذهبی نیست، چه بسا مطالب دیگری را هم مورد انتقاد قرار می‌دهد (آزاد و مدرس، ۱۳۹۹: ۵۶).

از طرفی دیگر با اینکه دایره ادبیات انتقادی گسترده‌تر از تابوشکنی ادبی است، اما این بدان معنی نیست که این نوع ادبیات تمام تابوشکنی‌های ادبی را در بر گیرد و این بدان دلیل است که ادبیات انتقادی، اعتراضی مبتنی بر شک و انکار دارد، اما در مواردی، اعتراض تابوشکنانه اعتراضی مبتنی بر تسلیم و برای اظهار صمیمیت بیشتر است. هر چند ظاهرش گستاخانه است. برای مثال، بسیاری از سخنان صوفیه از نوع «شطح» و شبیه به شطح، نوعی تابوشکنی است اما هرگز همانند ادبیات انتقادی در پی شک و تردید یا انکار نیست، بلکه ثمره وجد و سکر است و فقط در ظاهر، گستاخی می‌نماید و در باطن سراسر، تسلیم است. بنابراین تابوشکنی ادبی با هنجارگریزی ادبی و نیز ادبیات انتقادی گرچه نسبت‌هایی دارد، اما هیچکدام از آنها به درستی بر هم منطبق نیستند (حکم‌آبادی و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۹۶).

با توجه به تعریف واژه تابو، ممنوعیت تابویی گاهی به دلیل ورود به حریم مقدس و مختصی است که شخص لیاقت ورود به آن را ندارد؛ گاهی هم ورود به عرصه‌ای ناپاک و نجس است که شان آدمی فراتر از آن است؛ به عبارتی گاهی موضع‌گیری گستاخانه به حریم مقدسات است و گاهی هم تن دادن به منهیات. با توجه به این مقدمات، منظور از تابوشکنی ادبی آنست که شاعر یا نویسنده، فراتر از اجازتی که دارد، وارد ساخت ممنوع اعم از مقدس با نامقدس شود و این گاهی به صورت اعتراضی است که مبتنی بر شک و تردید و حتی انکار است؛ مانند تابوشکنی‌های غیر عرفانی و گاهی هم گرچه ظاهراً اعتراض‌گونه است، اما در اصل گستاخی صمیمانه‌ای است که در دل خود مبتنی بر تسلیم است؛ مانند تابوشکنی‌های عرفانی (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

در تحقیق تابوشکنی در ادبیات باید توجه داشت که دایره شمول تابوشکنی با توجه به معتقدین به تابو قابل دآوری است. برخی از تابوشکنی‌ها تقریباً جهان‌شمول است، مانند اعتراض به نظام آفرینش، اما در برخی موارد مخصوص یک دین است مانند مناسک حج که فقط مسلمانان ملزم به رعایت آنند. البته در مواردی هم در میان فرق یک دین اختلاف نظر وجود دارد، مانند مساله رؤیت خدا با مخلوق بودن قرآن وقتی تابوشکنی درباره ادبیات ملتی خاص است و ابتدا باید به تابوشکنی جهان‌شمول توجه کرد که شامل آن ملت خاص هم می‌شود، سپس به تابوشکنی‌هایی که مربوط به دین آن ملت است، پرداخت، دینی که شاعران و نویسندگان ادبیات آن ملت بر آن بوده‌اند که اختلافات فرقه‌ای چندان مهم نیست (طایفی، ۱۳۹۱: ۵۱).

#### ۴-۲- برخی از گونه‌های تابوشکنی در ادبیات فارسی

به سبب قدمت و تنوع ادبیات فارسی، تابوشکنی در ادبیات فارسی بسیار متنوع و پرحجم است. در ادامه به برخی از انواع تابوشکنی در ادبیات فارسی به نحو اجمالی اشاره می‌شود.

##### ۴-۲-۱- ادبیات غنایی و تابوشکنی

اولین میدان تابوشکنی در ادبیات فارسی، عرصه شعر غنایی است. در این نوع ادبی، همان طور که اقتضای شعر، شاعر را از پایبندی به منطوق روزمره رها کرده است، این نوع ادبی نیز با تکیه بر تجربه شخصی «من و تو» که لازمه آن است، تقریباً تمام قراردادهای اجتماعی از جمله مقدمات و منهیات را به بهانه شاعرانگی در هم شکسته است. در شعر غنایی فارسی تابوشکنی عمدتاً به دو صورت شکل گرفته است؛ گاهی در قالب عبور از ظاهر فرایض و رسیده به حقیقت و مغز آن و گاهی هم در مقابل منهیاتی همچون می و معشوق و مجاز شمردن آن‌ها.

از میان دو دسته فوق، مباح دانستن منهیات از جمله می و معشوق نه تنها در ادبیات غنایی بسیار چشمگیر است، بلکه به ادبیات عرفانی نیز رسوخ کرده است. تابوی «می» در آغاز شعر عروضی فارسی به صورت «مباح شده» وارد گفتمان شعر می‌شود و در شعر سبک خراسانی بی آنکه در مقام رمز یا نماد باشد، به مثابه یک ارزش به استفاده از آن توصیه می‌شود:

می	آرد	شرف	مردی	پدید	می	آزاده	پدید	آرد	از	بد	اصل
آزاده	نژاد	از	درم	خرید	فراوان	هنرست	اندرین	نبید			

اما با تعمیق اسلام در ایران در قرن‌های پنج و ششم و ورود ادبیات فارسی به سبک عراقی و ترویج روحیه زهد و پارسایی در ایران، می، حرام انگاشته می‌شد و بنابراین توصیه به نوشیدن می، تابوشکنی بوده‌است (آزاد و مدرسی، ۱۳۹۹: ۵۱).

در کنار می، میل به معشوق/ معشوقه نیز از دیگر منهیات غنایی در شعر فارسی بوده‌است، مخصوصاً معشوق/ شاهد که توصیه به عشق‌ورزی با او درجات بالاتری از تابوشکنی را به نمایش می‌گذارد

#### ۲-۴-۲- ادبیات عرفانی و تابوشکنی

اگر جلوه گاه تابوشکنی در ادبیات غنایی فارسی فقط عرصه شعر است، تابوشکنی عرفانی، هم شعر و هم نثر را شامل می‌شود. از طرفی ادبیات عرفانی - علی‌الخصوص عاشقانه - علاوه بر داشتن جنبه هنری و تکیه بر تجربه شخص عارف، دارای موضوعی است که عمدتاً مقدسات را در بر می‌گیرد، در نتیجه بستر بسیار مناسبی برای تابوشکنی است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تابوشکنی عرفانی، شطحیات است. اغلب کسانی که فقط با چند شطح مشهور آشنا هستند، بر این باورند که شطحیات همیشه حریم مقدسات و منهبات را می‌شکنند، اما باید دانست که شطحیات فقط جزئی از تابوشکنی عرفانی هستند، به عبارتی همه شطحیات تابوشکنی نمی‌کنند؛ برای درک بهتر موضوع به تعاریف شطح توجه شود: شطح سخنی است که از سر وجد و سکر ادا میشود و به ادعا می‌ماند اما گوینده اش اهل دعوی نیست بلکه ربوده حق است. به عبارتی دیگر شطح سخن گفتن فراخ و بی‌مبالاتی است که در وقت غلبه حال و سکر ادا می‌شود. نیز شطح را به آیات متشابه قرآن تشبیه کرده‌اند و آن را نوعی سخنان دانسته‌اند (طایفی، ۱۳۹۱: ۶۲).

#### ۲-۴-۳- تابوشکنی و ادبیات انتقادی

علاوه بر ادبیات غنایی و عرفانی در گستره ادبیات فارسی، مقدار زیادی تابوشکنی وجود دارد که در تقسیم‌بندی انواع ادبی دقیقاً نمی‌توان آنها را زیر مجموعه نوع ادبی خاصی قرار داد، ولی با توجه به نگاهی که به جهان پیرامون دارد، آنها را می‌توان جزو ادبیات انتقادی به حساب آورد (آزاد و مدرسی، ۱۳۹۹: ۵۳).

تابوشکنی ادبیات انتقادی با بن‌مایه فلسفی بشر کمتر از زندگی راضی بوده است و این مسأله همیشه او را به طرح سؤالات فلسفی کشانده است. گاهی این سؤالات صرفاً سؤال عادی است زیرا آدمی کنجکاو است ولی در بسیاری موارد اعتراض شک و تردید و حتی انکار است؛ به عبارتی نوعی تابوشکنی است. در گستره ادبیات فارسی، سؤالاتی از نوع اخیر کم نیست ولی ممتاز ترین چهره در این زمینه «خیام» است:

دارنده چو ترکیب طبایع آراست از بهر چه افکندش اندر کم و کاست  
گر نیک آمد شکستن از بهر چه بود و نیک نیامد این صور عیب که راست  
(خیام، ۱۳۹۹: ۵۴)

#### ۳- نتیجه‌گیری

تابو، یکی از پدیده‌های دیرینه همراه بشر است که نشانه‌های حضور آن به نخستین ادوار حیات بشر بر پهنه هستی باز می‌گردد. تابوها مجموعه‌ای از امور ممنوعه هستند که گاهی جنبه جهان‌شمول دارند و گاهی جنبه اقلیمی، قومی یا دینی. به هر حال تاوها در هر یک از این گروه‌ها که قرار بگیرند، پدیده‌هایی هستند که پرهیز از آنها باید رعایت شود و نزدیک شدن به آنها جزو امور ممنوعه به شمار می‌رود. تابوها لزوماً جنبه دینی و اعتقادی ندارند و حتی ممکن است که ناشی از تخیلات و گاهی نتیجه تجارب دیرپای زندگانی بشر به مقتضای اقلیم یا اوضاع قومی و تاریخی و اجتماعی خاصی است. ادبیات به سبب آنکه پلی میان گذشته و آینده است و سنن گذشته را به آینده منتقل می‌کند، همواره بستری برای حضور و انتقال تابوها بوده‌است. در عین حال ادبیات در ذات خود تابوشکن نیز هست، زیرا ادبیات همواره به سمت آینده و به سوی تازگی‌ها حرکت می‌کند و به همین سبب بخشی از آن در پی تابوشکنی است. تابوهایی که ادبیات می‌شکنند، برخی تابوهایی هستند که در صورت و ساختار خود ادبیات قرار دارند، مانند زیبایی‌شناسی سنت‌شده که از گذشته به حال رسیده است و شکستن آن را ممنوع می‌دانند و گاهی نیز این تابوها جنبه‌های محتوایی دارند. ادبیات فارسی هم به سبب آنکه همواره در پی نوجویی و نوگرایی بوده است و هم به سبب آنکه بیشتر شاعران فارسی‌سرا و نویسندگان ادب فارسی، اندیشمندان طراز اول بوده‌اند، همواره بستری



برای تابوشکنی بوده است. برخی از این تابوشکنی‌ها در ادبیات غنایی تجلی پیدا می‌کنند، مانند توصیه به خوش‌باشی در برابر زهد خشک و توصیه به بهره بردن از می و معشوق. گاهی نیز این تابوها جنبه عرفانی دارند که صورت اعلائی آن را در شطحیات می‌توان دید. در حوزه ادبیات انتقادی نیز ادبیات فارسی حاوی تابوشکنی‌های فراوان و آشکار است.

#### فهرست منابع

- آزاد، سارا؛ مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۹). «بررسی انواع تابوشکنی و دلایل آن در شعر فروغ فرخزاد و احمد شاملو». *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*. سال سوم. شماره ۲۶. ۵۱-۶۸.
- بارکر، ک. (۲۰۰۹). *مطالعات فرهنگ*. ترجمه م. فرجی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حکیم آبادی، محمود؛ کاظمیان، صفورا. (۱۳۹۱). «تابوها و نقش آن در رشد و هدایت ذوق های ادبی با نگاهی به اشعار فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، فردوسی و ناصر خسرو». *مجله عرفانیات در ادب فارسی*. شماره ۱۰. صص ۸۹-۱۱۰.
- خیام، عمر. (۱۳۹۹). *رباعیات*. تهران: سخن.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- سعیدی مدنی، سعید. (۱۳۸۵). *درآمدی بر مردم‌شناسی اعتقادات دین*. یزد: دانشگاه یزد.
- طایفی، شیرزاد. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل تابو در بوف کور». *دو فصلنامه ادب فارسی*. دوره ۲، شماره ۱. صص ۴۲-۵۳.
- معین، محمد. (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- میلنر، ا. (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*. ترجمه ج. محمدی. تهران: ققنوس.
- والتر اودانیک، ولودیمیر. (۱۳۷۹). *یونگ و سیاست*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- یعقوبی، پارسا. (۱۳۸۶). «آشنایی با تابوشکنی ادبی و سیر آن در ادبیات کلاسیک فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. سال پنجاه و هشتم. شماره ۳. صص ۹۹-۱۱۶.